

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷  
(صص ۲۳-۳۵)

## دهنمکی: گونه‌های نویافته از کومشی

حبیب برجیان\*

### چکیده

شهر سمنان و آبادی‌های پیرامونی زبان‌هایشان نااهم‌تبار است اما به دلیل همسایگی دیرین به اختلاف درجاث همگرا شده و اتحاد زبانی کومش را پدید آورده‌اند. در زمانی که این نگارنده گونه‌های سمنانی و بیابانکی و سرخه‌ای و لاسگردی و افتزی و سنگسری و شه‌میرزادی از اتحاد کومش را موضوع مطالعه تطبیقی قرار داد، از دهنمکی خبر نداشت. اینک این گونه نویافته کومشی که فرسنگ‌ها از دیگر گونه‌ها جدا افتاده، نخست توصیف می‌شود، سپس در چارچوب کومشی رده‌بندی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اتحاد زبانی (Sprachbund)، همگرایی (convergence)، رده‌شناسی (typology)،  
کومشی (Komisenian)

دهمکی عضوی از اتحاد زبانی کومش<sup>۱</sup> است و مقصود از این اصطلاح زبان‌هایی است با تبارهای دور و نزدیک که در سمنان و آبادی‌های پیرامونی رواج دارد - از جمله سمنانی و سرخه‌ای-لاسگردی و افتری و بیابانکی و سنگسری. شه‌میرزادی نیز به‌رغم هویت کاسپی در این اتحاد جای می‌گیرد زیرا در طول زمان همگرایی‌ها با همسایگان به‌هم رسانده‌است. روابط فی‌مابین زبان‌های مذکور - چه در زمانی، چه هم‌زمانی - در بررسی تطبیقی جامعی منتشر شد<sup>۲</sup> و تلخیصی از آن با تجدیدنظر و منظور نمودن مواد دهمکی در دانشنامهٔ ایرانیکا<sup>۳</sup>.

در زمان انتشار پژوهش نخست نمی‌دانستم در دهمک هم گونه‌ای از کومشی رایج است، گواینه‌که در سفرنامهٔ کشیش آمریکایی جیمز باست<sup>۴</sup> خوانده بودم که دهمک زبانی مخصوص دارد - بی‌آنکه بگوید چه نوع زبانی.

این موضوع را با دکتر علیرضای شاه‌حسینی سردبیر مجلهٔ فرهنگ قومس در میان نهادم. در سفری یک‌روزه در اواخر تیرماه پارسال به گرمسار و آرادان دکتر شاه‌حسینی میزبان ما بود. نهم‌روزی به گردآوری گویش الیکایی از گونهٔ کاسپی گذشت. سپس به دهمک به فاصلهٔ یک‌ساعتی آرادان رفتیم. در آنجا کتاچه‌ای در تاریخ و فرهنگ دهمک به من اهدا شد. میزبان ما در دهمک، حاج ماشاءالله اکبرشاهی، عازم بیلاق بود اما از روی مہمان‌نوازی ساعتی سفرش را عقب انداخت تا به پرسش‌هایم پاسخ دهد.

دهمک در میانه‌راه گرمسار و لاسگرد واقع است. کاروانسرای شاه‌عباسی و قلعهٔ گبری دارد و در کتب جغرافیایی قرن چهارم با عنوان‌های قریه‌الملح و قصرالملح یاد شده‌است. به‌گفتهٔ آقای اکبرشاهی از سکنه بیست سی خانوار بیشتر نمانده لیکن در ایام محرم و نوروز جمعیت تا دوهزار تن افزایش می‌یابد؛ در آن ایام بومیان مهاجر از تهران (بیشتر در خزانهٔ فرح‌آباد و افسریه می‌نشینند) و ورامین و گرمسار و مازندران با هم‌ولایتیان تجدید دیدار می‌کنند.

<sup>1</sup> Komisenian Sprachbund

<sup>2</sup> Borjian 2021

<sup>3</sup> Borjian 2023

<sup>4</sup> James Basset

دهنمک ایل ندارد. فرهنگش از نوع فرهنگ شهری دهات فلات ایران است. به گفته آقای اکبرشاهی دهنمک تاریخاً از ایچ و لاسگرد و سمنان و خراسان مهاجر پذیرفته‌است. مشارالیه با خانواده و هولایتیان دهنمکی سخن می‌گوید و «زبان بیلاق» (koiné ی دامپوران) یا gelaki را نیز آموخته‌است.

۱- اصوات. علاوه بر پنج مصوت ساده فارسی، دهنمکی مصوت مازندرانی /ə/ را نیز داراست. تفاوت /o/ و /u/ گاه آشکار نیست و [ū] شنیده می‌شود. [ö] واجگونه‌ای از /o/ است. در صامت‌ها دهنمکی با فارسی انباز است، مگر /k/ و /g/ واجگونه کامی ندارند و قاف از مخرج غین ادا می‌شود.

۲- شمار. دهنمکی فاقد جنس دستوری و حالت (case) است مگر در ضمایر شخصی. لیکن جمع xuâkron، جمع «خواهر» بازمانده نظام حالت در واژگان خویشاوندی است.<sup>۱</sup> در هر حال جمع به -on است: jeníkâ/jení «زن»، jénion «زنان»؛ vač(n)un «بچه‌ها». در خصوص جمع بی‌جان باید از گویشوران پرسید.

۳- ضمیر. ضمایر شخصی در جدول ۱ تنظیم شده.<sup>۲</sup> ضمایر منفصل اول شخص و دوم شخص مفرد دو حالت مستقیم (فاعلی) و ابلیک (مفعولی) دارند. ضمایر ابلیک در نقش‌های مفعول صریح (نمونه‌های ۱ و ۴)، مفعول باواسطه (نمونه‌های ۲ و ۳) و مضاف‌الیه (ملکی) (نمونه ۴) به‌کار می‌روند.

- |                                |                                   |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| 1. a biəmân ta beynon          | «من آدمم بی‌بیمت.»                |
| 2. bio asb-savâri ta yâd badon | «بیا به تو اسب‌سواری یاد بدهم.»   |
| 3. mo niâ kə, a muš bəytən     | «به من نگاه کن؛ من موش گرفتم.»    |
| 4. mo mâr mo megîâ=š           | «مادرم مرا دوست داشت (می‌خواست).» |
| 5. šemâ mēšnâson               | «شما را می‌شناسم.»                |
| 6. šemâ injə namuni(n).        | «شما اینجا نمانید.»               |

<sup>۱</sup> قس: سمنانی مفرد xuâka، ابلیک xuâkár: جمع xuâki، جمع ابلیک xuâkarún

<sup>۲</sup> «ضمایر متصل» در عبارات اسمی به‌کار نمی‌رود و فقط با فعل همراه می‌شود.

همچنین در داده‌ها ضمیر ملکی مندرج در نمونه ۷ یافت شد. این ساخت را در گونه‌های دیگر کومشی نیافتیم لیکن در زبان الیکایی گرمسار که از گونه کاسپی است ساخت قابل مقایسه‌ای ملاحظه شد (نمونه ۸).

7. un kiə amâci-ə «آن خانه مال ماست.»  
 8. un xone omey dakia/amejšə «آن خانه مال ماست.» (الیکایی)

#### جدول ۱- ضمایر شخصی و شناسه‌های فعل

شناسه‌ها		ضمایر		
مضارع	ماضی	مفعولی	فاعلی	
-ân, -on	-(ə)n	mo	a	مفرد ۱
-Ø	-(ə)t	ta	to	۲
-ə, -u	-(ə)š, -i, -Ø	yo		۳
-in	-mon	amâ		جمع ۱
	-ton	šemâ		۲
-ən	-šon	yun		۳

۴- ترکیبات اضافی و وصفی. اضافه مقلوب است و کسره نمی‌پذیرد: bərar das «دست برادر»، amâ kiə «خانه ما».

صفت مقدم بر موصوف است، ظاهراً با نشان اضافه مقلوب zârde dændənə «زنبور زرد». برخی صفات پایانه -in می‌گیرند: masin kiə «خانه بزرگ»، Peštín/Döünin/Žurin malle «محله پشت / درون / بالا» (برزن‌های دهنک).

۵- مفعول صریح نشانی در دهنکی ندارد و با ترتیب کلمات در جمله به هم می‌رسد. نمونه‌های زیر از پاسخ گویشور به جمله‌های فارسی به دست آمد. آشکار نیست که پی‌چسب -eš به فعل

شناسه فعل در زمان ماضی است یا ضمیر متصل است که در عبارات اسمی دهنمکی استعمال ندارد. این موضوع شایان تحقیق بیشتر است.

9. nâzu muš bait «گره موش گرفت.»

10. nâzu muš bait-eš «گره موش را گرفت.»

۶- حروف اضافه. این حروف اصالتاً پسایندی است، چنانکه در نمونه‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۶ آمده‌است. ترکیبات پیشایندی نیز به تقلید از فارسی وارد زبان شده‌است (نمونه‌های ۱۳ و ۱۴).

11. megi yo-re ʒəni dorost kərin «باید برایش زن بگیریم (درست کنیم).»

12. kuʒa pe mio? âbâdi pe miân «از کجا می‌آیی؟ از آبادی می‌آیم.»

13. darzon mion-e čâ kat «سوزن در چاه افتاد.»

14. ta piə dam-e bar dárə «پدرت دم در است.»

15. âynə mion xošton niâ kə «در آینه خود را بنگر!»

۷- فعل. صرف افعال «خوردن» و «افتادن» در جدول‌های ۲ و ۳ آمده‌است.

جدول ۲- آ - «خوردن»

مضارع	التزامی	ماضی ساده	ماضی استمراری	
mē-xor-on	ba-xor-on	bə-xord-ən	mē-xord-ən	مفرد ۱
mē-xor-Ø	ba-xor-Ø	bə-xord-ət	mē-xord-ət	۲
mē-xor-ə	ba-xor-ə	bə-xord-eš	mē-xord-eš	۳
mē-xor-in	ba-xor-in	bə-xor-mon	mē-xor-mon	جمع ۱
		bə-xor-ton	mē-xor-ton	۲
mē-xor-ən	ba-xor-ən	bə-xor-č-on	mē-xor-č-on	۳

## جدول ۲- ب - «خوردن»

تقلی	ماضی بعید	ماضی التزامی	
bə-xorč-ən	bəxor biân	bəxor bün	مفرد ۱
bə-xorč-ət	bəxor biât	bəxor büt	۲
bə-xorč-i	bəxor bo	bəxor bü	۳
bə-xorč-əmon	bəxor bimon	bəxor bümön	جمع ۱
bə-xorč-əton	bəxor biton	bəxor büton	۲
bə-xorč-ešon	bəxor bišon	bəxor büšon	۳

## جدول ۳ - «افتادن»

مضارع	ماضی	تقلی	
mē-k-ân	bə-kət-ân	kəč-ân	مفرد ۱
mē-kâ-Ø	bə-kət-ât	kəč-ât	۲
mē-k-u	bə-kət-Ø	kəč-i	۳
mē-k-in	bə-kət-mon	kəč-âmon	جمع ۱
	bə-kət-ton	kəč-âton	۲
mē-k-on	bə-kət-šon	kəč-âšon	۳

پیشوندهای صرفی عبارت است از mē- (که اغلب کشیده شنیده می‌شود) و bə-. داده‌ها به اندازه‌ای نیست که بتوان گفت bə- خاص التزامی است یا اینکه چرا bə- در ماضی نقلی «افتادن» نیامده است.

در افعال مرکب bə- به‌اختیار حذف می‌شود:

## 16. izzi Ehsân pür râi kərčən Mâzəndəron

«دیشب پسر احسان را راهی کردند مازندران.»

پیشوندهای قاموسی و پیشوند نفی (na-) جایگزین be- و با mē- ترکیب می‌شوند (نمونه‌های ۱۷ و ۱۸ و ۲۶ و ۳۲).

17. vâčo(n)un dâran vâzi hâ-mə-kər-ən «بچه‌ها دارند بازی می‌کنند.»

18. yun hečči na-m-oy-ən «آنها هیچ نمی‌گویند.»

۸- شناسه. دهنمکی دو گروه شناسه دارد: شناسه‌های همراه با *in* مضارع و شناسه‌های همراه با *in* ماضی (جدول ۱). گروه اخیر در اصل ضایر متصل است.

در شناسه‌های مضارع دوم شخص مفرد صفر است. دوم شخص و سوم شخص جمع همگون شده‌اند. سوم شخص مفرد *-ə* و *-u* برای دو فعل صرف شده متفاوت است؛ باید تحقیق شود چرا. شناسه‌های همراه با *in* ماضی بازمانده نظام ارگاتیو است. سوم شخص مفرد *-š* گرایش به کوتاه شدن به *-i* و صفر دارد. نکته مهم این است که شناسه‌های ماضی با افعال متعدی و لازم هر دو به کار می‌روند و از این جهت دهنمکی شبیه بیابانکی است.<sup>۱</sup>

۹- *in* های سه‌گانه. از دیدگاه هم‌زمانی فعل سه *in* دارد: مضارع، ماضی، نقلی:

مضارع	ماضی	نقلی	
xor-	xor(d)-	xorč-	خوردن
k-	kət-	kəč-	افتادن

زیرساخت جزء نقلی *-č-* میان هشت *-št-* در زبان‌های کومشی است که ظاهراً از فعل «ایستادن» در زبان پارسی سرچشمه می‌گیرد (Borjjan 2021, §6.4.4). صرف نظر از صیغه‌های صرفی مندرج در جدول‌ها، نمونه‌هایی در یادداشت‌ها به دست آمد که به جای *-č-* در ماضی نقلی *-št-* آمده:

19. bi-əmi-št-ân «آمده‌ام»

20. bə-di-št-ət «دیده‌ای»

<sup>1</sup> Borjjan 2021, §6.6.3

شایان توجه است که این -č- به صرف ماضی در سوم شخص جمع هم سرایت کرده: bəxorčon «خوردند»؛ زیرساخت هم‌زمانی این صیغه البته bə-xord-šon است با زنجیره ابدال č < tš < d-š.

۱۰- **بن مجهول**. هرگاه بن مضارع فعلی متعدی پسوند -i بگیرد بن مضارع مجهول حاصل می‌شود. بن ماضی مجهول گویا با افزودن پسوند -â به دست آید. برای مثال، بن‌های فعل «ریختن»: متعدی rit- : riž-، لازم rižiâ- : riži-.

- |                          |                    |
|--------------------------|--------------------|
| 21. mo engušť bərbiniâ-Ø | «انگشتم برید.»     |
| 22. ow bórižiâ-Ø         | «آب ریخت.»         |
| 23. doxtər ow bərit-eš   | «دختر آب را ریخت.» |

نمود بن مجهول را در صفت مفعولی نیز می‌توان یافت:

- |                       |                       |
|-----------------------|-----------------------|
| 24. en sib bəpussiâ-ə | «این سیب پوسیده است.» |
| 25. bəpussiâ sib      | «سیب پوسیده»          |

۱۱- **ماضی نقلی**. صرف ماضی نقلی از ماضی ساده متمایز است و گویشور صیغه‌های هر دو زمان را به سهولت صرف کرد. با این همه در پاسخ برخی جمله‌ها این دو زمان را جابه‌جا گفته، مثلاً در نمونه زیر به جای ماضی ساده که مطلوب معنی است ماضی نقلی به کار برده است. در دیگر گونه‌های کومشی هم ماضی نقلی ضعیف است و در مازندرانی این زمان اصلاً نیست (Borjian, 2021, §6.5).

- |                                   |                              |
|-----------------------------------|------------------------------|
| 24. amâ ušuni otâγ döun naxočâmon | «ما دیشب در اطاق نخواییدیم.» |
|-----------------------------------|------------------------------|

۱۲- **صیغه‌های مرکب**. ماضی بعید و ماضی التزامی با فعل معین «بودن» صرف می‌شود. در جدول ۲، صفت مفعولی «خوردن» bəxor بایستی مُرَحَّم bəxord باشد. جالب است که وجه التزامی «بودن» (büt, büin) (الح) با شناسه‌های ماضی صرف شده؛ این مطلب شایسته پرس‌وجوی بیشتر است.



۱۳- استمرار. زمان‌های استمراری همانند فارسی با فعل معین «داشتن» ساخته می‌شود:

27. dâr-on mēšon «دارم می‌روم»

28. dârd-ən mēšîân «داشتم می‌رفتم»

از این نظر دهنمکی با سمنانی همانند است، به‌خلاف دیگر زبان‌های کومشی از جمله سرخه‌ای-لاسگردی و افتری که فعل معین dar- «وجود داشتن» را به‌کار می‌گیرند. بیابانکی هیچ‌یک از دو فعل معین را ندارد.<sup>۱</sup>

۱۴- «بودن». گذشته از فعل اسنادی، معنی وجود داشتن یا در جایی بودن با بن مضارع dar- (که از ویژگی‌های زبان‌های کاسپی است) ادا می‌شود. بن ماضی این فعل ظاهراً dâ-bi- است. برای موجودات بی‌جان فعل «هشتن» هم به‌کار می‌رود (نمونه ۳۱).

29. ketâb mo bærâr das dâr-ə «کتاب دستِ برادرم است.»

30. biâmiân ta bəynon, dâ-nâ-bi-ât «آدمم بی‌نمت، نبودی.»

31. sib mion-e tâ həštə «سیب روی طاقچه است.»

۱۵- «خواستن». این فعل با بن gi(a)- صرف می‌شود (نمونه‌های ۴ و ۳۲ و ۳۳). صورت ناقص (صرف‌ناپذیر) آن megi به‌معنی «باید» است (نمونه ۱۱).

32. hîvëndət yâ ma-ga-t hivən? «انداختی یا می‌خواهی بیندازی؟»

33. agə giâ but, mé bu «اگر خواسته باشی، می‌شود.»<sup>۲</sup>

۱۶- ریشه‌شناسی. دهنمکی با سمنانی و سرخه‌ای-لاسگردی و افتری و بیابانکی در بنیهٔ شمال‌غربی زبان‌های ایرانی انباز است<sup>۳</sup>، چنانکه در تحولات صوتی زیر نمودار است:

\*š masin «بزرگ»

\*ž zomâ «داماد»، izzî «دیروز»

<sup>۱</sup> Borjian 2021, §6.9

<sup>۲</sup> «خواستن توانستن است» را گویشور با این عبارت بیان کرد.

<sup>۳</sup> Borjian 2021, §9.1

\*św esbe «سگ»، esbez «شپش»، esbi «سفید»

\*rż esbezə «اسپیل»

\*θr pur «پسر»؛ اما öwest «گوسفند آبیستن» گونه جنوب غربی است.<sup>۱</sup>

\*ĵ jen- «زن»، tiž «تیز»

\*-č žurin «زترین»

\*w- værg «گرگ»، vašon «گرسنه»، vâreš «باران»، vâzi «بازی»

\*dw- bar «در»، اما digar «دیگر» (تحوّل جنوب غربی؛ سمنانی هم چنین

است)

۱۷- رده‌شناسی. در دو مطالعه پیشین، بررسی ایزوگلووسی میان همه گونه‌های کومشی انجام شد و این نتیجه به دست آمد که شهمیزادی و سنگسری با دیگر گونه‌ها تفاوت آشکار دارند (و بنابراین در بررسی حاضر حذف شده‌اند). از مطابقت سایر گونه‌ها دو قطب نمودار شد: (۱) سمنانی؛ (۲) سرخه‌ای- لاسگردی که با افتری هم‌تبار تواند بود. بیابانکی دوررگه از کار درآمد، گویی با مادری سمنانی. اینک محاسبه ایزوگلووسی را با حذف ایزوگلووس‌های متمایزکننده شهمیزادی و سنگسری تجدید می‌کنیم.

جدول ۴ شامل سیزده ایزوگلووس گرامری و لغوی است. جدول ۵ نمودار جمع ایزوگلووس‌ها برای همه جفت‌هاست. مثلاً سرخه‌ای و لاسگردی که در دوازده و نیم فقره از سیزده ایزوگلووس انبازند زبانی واحد به شمار می‌آیند. رنگ خاکستری سیر در گوشه راست جدول ۵ بیانگر نزدیکی افتری به سرخه‌ای- لاسگردی است. باقی خانه‌های پلگان با شش تا هشت فقره توافق، رنگ خاکستری بازتر گرفته‌اند. زیر پلگان رنگ روشن گرفته زیرا نشانگر جفت‌های دور است. دورترین فاصله (دو فقره از سیزده ایزوگلووس) میان سمنانی و سرخه‌ای است - که دو زبان متفاوت به شمار می‌آیند.

<sup>۱</sup> این لغت در دیگر گونه‌های کومشی بر نگارنده مجهول است. زن آبیستن می‌شود اشک‌دار و تله‌دار و پیردار و نظایر اینها.

جدول ۴ - ایزوگلوکوس‌ها

سمتانی	بیابانکی	دهنمکی	سرخه‌ای	لاسگردی	افتری	ایزوگلوکوس	
+	-	-	-	-	-	جنس و حالت در اسم	۱
-	+	+	+	+	-	مفعول صریح بی نشان	۲
-	-	-	+	+	+	hož/hoj ضمیر ۲ جمع	۳
-	-	-	+	+	+	مضارع با -end-	۴
+	+	+	-	-	-	تقلی لازم با -č-	۵
+	-	-	-	-	-	ارکاتیو با عامل ابلیک	۶
-	+	+	-	-	-	شناسه فعل لازم = ضمیر متصل	۷
+	-	+	-	-	-	استمرار با «داشتن»	۸
xorusá	xorūs	telâ	tâlâ	telâ	talâ	خروس	۹
bíâ	bío	bio	bíru	bíru	búru	بیا!	۱۰
kaĵ	kaĵ	xol	xol	xul	val	کج	۱۱
ruá	rüa	nâzu	nâzi	nâzu, ruvâ	nâzu	گره	۱۲
pis	bad	pis	pis	pis	zohe, bad	بد	۱۳

جدول ۵ - ترکیب ایزوگلوکوس‌ها

Bia.	7				
Deh.	6	8			
Sor.	2	4	7		
Las.	2.5	4.5	6.5	12.5	
Aft.	2	3.5	4	10	9.5
	Sem.	Bia.	Deh.	Sor.	Las.

دهنمکی در کجای طیف قرار می‌گیرد؟

نخست باید گفت که بالاترین توافق دهنمکی با بیابانکی است (شش ایزوگلوکس). لیکن این ماکزیمم به خودی خود هیچ معنی نمی‌دهد، زیرا چنان‌که در مطالعات پیشین به اثبات رسید این هر دو گونه دورگه هستند.

مجموع این است که دهنمکی را با دو قطب سمنانی و سرخه‌ای بسنجیم. نتیجه چنین است که دهنمکی با سمنانی در شش ایزوگلوکس (۴۳ درصد) و با سرخه‌ای در هفت ایزوگلوکس (۵۴ درصد) انباز است.<sup>۱</sup> در واقع دهنمکی در فاصله تقریباً مساوی رده‌شناسانه میان سمنانی و سرخه‌ای است. تعبیر این کیفیت آن است که دهنمکی از همگرایی آن دو زبان هستی یافته. تاریخ این جوش خوردگی را زمانی می‌توان معین کرد که مواد کافی از زبان و اتنوگرافی دهنمک گرد آید.

#### کتابنامه

شاه‌حسینی، یونس (۱۳۸۹)، منزل چهارم: نگاهی به روستای تاریخی و کهن دهنمک، سمنان: حبله‌رود.

Borjjan, H. (2021), *Essays on Three Iranian Language Groups*, New Haven: American Oriental Society.

Borjjan, H. (2023), "Komisenian", *Encyclopedia Iranica* XVII/4: 362-372.

### Dehnamaki: A Newly Found Komisenian Variety

Habib Borjjan

Rutgers, The State University of New Jersey

#### Abstract

This paper is based on my fieldnotes taken in June 2022 in Dehnamak, located between Garmsār and Semnān. Dehnamaki was identified as a variety of the Komisenian Sprachbund. The paper draws a sketch grammar of Dehnamaki. It has a ternary set of present, past, and perfect

<sup>۱</sup> این نسبت‌ها در مطالعه پیشین (Borjjan, 2023) به ترتیب ۶۸ درصد و ۸۲ درصد بود. سبب این نسبت‌های بالاتر، لحاظ شدن زبان‌های بیگانه‌تر شه‌میرزادی و سنگسری در سنجش پیشین است.

stems, as in *xor-*, *xord*, *xorč-* ‘eat’. The verb alignment is nominative-accusative, lacking distinctions between transitive and intransitive verbs, but the distinct set of past-tense person markers (Table 1), which are originally the oblique pronominal clitics, display a feeble residue of Middle West Iranian ergativity. The second part this paper concerns with the typology of Dehnamaki.

**Keywords:** Sprachbund, Language Contact, Language Convergence, Typology, Etymology, Northwest Iranian languages